

مدیریتی استفاده نموده اند؟

مدیریت کلان در شناسایی و انتخاب مدیران و مدیریت زیر مجموعه سازمان خود قطعاً ارتباط و رایزنی های لازم را انجام می دهند و این امر نیز لازمه تشخیص و انتخاب پست دلخواهش شخصاً به رایزنی پردازد یا به عبارتی خود را تحمیل بر مجموعه مدیریتی نماید، بنابراین به نظر می رسد در دستگاه قضائی اصل شایسته سالاری در حد امکان رعایت می شود.

◀ رضا رحیمی - رئیس شعبه ۲۶۶ دادگاه خانواده تهران

## عامل عمده بروز اختلافات عدم آشنایی به حقوق متقابل

دارای فوق لیسانس حقوق جزا و جرم شناسی و علوم حوزوی تا مقطع پایان سطح و تاکنون در سمتهای، قاضی تحقیق شهرستان الیگودرز، دادرسی همان شهرستان در دادگاه عمومی، رئیس شعبه عمومی و دادرس دادگاه انقلاب اسلامی ازنا و الیگودرز و رئیس شعبه دادگاه انقلاب اسلامی خرم آباد فعالیت داشته است.

■ اختلافات خانوادگی که به اقرار مسؤولین مربوطه و به حکایت آمار روبه افزایش است معلول چه عواملی است؟

این سؤال بسیار خوبی است که شما به علتها توجه فرمودید و چرایی وجود اختلافات را مورد توجه قرار دادید اما آنچه مسلم است اختلافات خانوادگی که اکثراً منجر به نتایج ناگواری مثل طلاق و بی سرپرستی فرزندان بیگناه این خانواده ها می شود و جامعه را دچار صدمات جبران ناپذیری می نماید، به علاوه صدمات



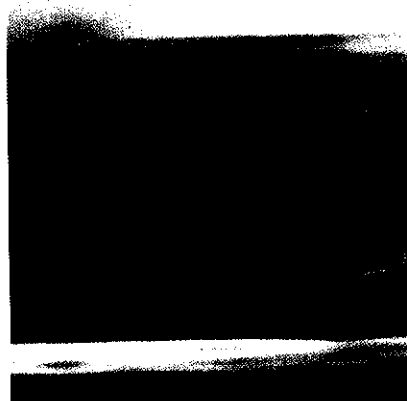
رضا رحیمی

مختلف دیگری که به آرامش و امنیت اجتماعی و اقتصادی و غیره وارد می آورد. اما آنچه مسلم است اینکه علل ایجاد اختلافات خانوادگی محدود به چند علت بخصوصی نمی شود و چه بسا در اختلافاتی که امروزه در محاکم مطرح می شود با علل و انگیزه های بسیار مختلف و متنوعی مواجه می شویم. قضات محاکم خصوصاً دادگاههای خانواده هر روز با انواع مختلف و بعضاً انواع عجیبی از اختلافات مواجه هستند که می تواند منشأ آنها را در چند مورد خاصی خلاصه و دسته بندی نمود.

یکی از دلایل عمده ای که موجب بروز اختلافات می شود و شاید کمتر مورد توجه قرار می گیرد عدم آشنایی دختران و پسران با حقوق متقابل زوجین در زندگی مشترک می باشد.

یعنی قشر عظیم جوانان آماده ازدواج در کشور جوان ما اطلاعات لازم را در مورد حقوق متقابل زوجین ندارند و در آموزشهای عمومی و یا فرهنگ عمومی جامعه نیز اطلاعات و آموزشهای لازم داده نمی شود و چه بسیار مشاهده می شود که زوجین جوان پس از ازدواج و در راهروی دادگاهها و مراجع انتظامی به حقوق شرعی و قانونی خود پی می برند. در کشاکش اختلافات است که به معنی نفقه همسر و قرار واجب التفقه پی می برند، و یا می شنوند که مهریه بمعنای شرعی و قانونی چیست؟ چه ضمانت اجراهایی دارد؟ تمکین چیست و نشوز به چه معناست و زوجة تا حد تحت ولایت و سرپرستی زوج است یا شوهر تا چه حد باید روابط خود را نسبت به دوره مجردی محدود کرده و به زن و فرزند خود پردازد؟

جوانان پس از بروز مشکلات از لسان روانشناسان یا قضاتی که سعی در اصلاح ذات البین دارند متوجه می شوند که چقدر علم و اطلاع آنها ناقص بوده و ای کاش فلان مطلب را قبلاً دانسته بودند! در شرع مقدس اسلام احکام مربوط به نکاح و طلاق احکامی ویژه و بخصوصی است که علم معمولی مردم به



مسائل حقوقی هم برای شروع یک زندگی کافی نیست و آگاهی های خاصی را ایجاد می کند که جامعه امروزی ما اطلاعات زیادی در این موارد ندارند. چه بسا دختران و پسرانی وجود دارند و در محاکم با آنها روبرو می شویم که اگر به حقوق و یا محدودیتهای ناشی از زوجیت آشنا بودند تصمیم دیگری اتخاذ می کردند یا نظر ایشان و یا شروط فیما بین آنها تغییر می یافت. با ملاحظه و دقت در مراتب فوق می توان به نحو اجمال به ضرورت آموزش (ولو اجباری) برای آشنایی زوجین با حقوق و قوانین مربوطه پی برد. همچنانکه برخی آزمایشات جهت اجرای عقد نکاح ضروری است بایستی به آموزشهای ضروری نیز اهمیتی حقی بیشتر از آزمایشات پزشکی قائل شد.

در دادگاه خانواده به تناسب شغلی که داشته ام این مثال را مکرراً گفته ام که البته مورد توجه اهل فن قرار گرفته است و آن هم اشاره به این نکته است که امروزه اطلاعات و آموزش از مهمترین عوامل پیشگیری از خطاها و فسادهای مادی و معنوی است چنانچه همکاران ملاحظه کرده اند که بعنوان مثال در بسته بندی یکدستگاه تلویزیون (که اخیراً بفروش می رسند) دفترچه های متعددی بعضاً به هفت زبان زنده دنیا وجود دارد که نحوه استفاده صحیح و اطلاعات لازم را به استفاده کننده می دهد و خریداران را می بیند که چقدر با دقت دفترچه ها را مطالعه کرده و بکار می بندند! چرا باید برای زندگی مشترک آنها بین دو جوان امروزی مطالعه حتی یک دفترچه یا کتابچه پنجاه برگه هم شرط نباشد و کی ضرورت آنرا گوشزد نکند آیا زندگی مشترک و تشکیل خانواده این رکن مهم اجتماعی به اندازه یک تلویزیون یا وسیله برقی و غیر آن نیاز به مطالعه و کسب اطلاع ندارند؟! ۱

بر دستگاههای آموزش و فرهنگی نظام اسلامی است که به فوریت و با احساس ضرورت نسبت به این علت مهمه ایجاد اختلافات خانوادگی اقدام نموده و آموزشهای اجباری را در مقدمات یک ازدواج بگنجانند؛ چه در سطح آموزشهای مدارس و چه در زمان فراغ الحواد و قصد جاری نمودن عقد نکاح صورت اگر واقعاً برای کانون واقعی جامعه اسلامی اهمیت هم آموزشها را اطلاعات جسته لازم کارآیی ندارد و باید به از وقوع ازدواج و ایجاد خانواده ای شوهر بودن یا زن بودن در تکوین ما در بودن و پدر بودن واقعی بگماریم که البته سخن در این مورد را در محل خود می توان دقیقتر و

ادامه داد.

ماهیهان شوهر آیا زوجه تا وصول کلیه مهریه حق امتناع از تمکین را دارد یا خیر؟  
 اصولاً عدم تمکین تا دریافت مهریه حقی است معروف به «حق حبس» که قانون مدنی در ماده آن را به رسمیت شناخته و به زوجه باکره (منکوحه غیرمدخوله) اجازه داده است که تا مهریه به او پرداخت نشده تمکین نکند و استحقاق وی رد اخذ نفقه نیز باقی باشد. لیکن در همین قانون و ماده قانونی صریح نیز برخی از حقوقدانان قایل به تفصل هستند که آیا تمکین مذکور در قانون تمکین خاصی است یا تمکین بمعنای عام؟ برخی اعتقاد دارند زوجه باکره تنها مجاز است از تمکین خاصی (احمال زناشویی) امتناع نماید ولی از تمکین عام و انجام وظایف خانه داری و غیره نباید سرباز زند والا ناشزه محسوب و نفقه بوی تعلق نخواهد گرفت لیکن اکثریت حقوقدانان مطلق تمکین را منظور نظر دارند و زوجه غیرمدخوله می تواند هر نوع تمکینی را قبل از پرداخت مهریه انجام ندهد و نفقه را هم دریافت دارد.

اما در مورد زوجه مدخوله بها (که تمکین خاصی نموده است) مطالبه مهریه بایستی همراه با تمکین از زوج صورت بگیرد و باصطلاح حق حبس دیگر باقی نخواهد بود و زوج بایستی

زن و شوهر به موضوع رسیدگی کرده و چنانچه مهریه به زوجه پرداخت نشده باشد دادگاه نهایتاً مدیون را پرداخت مهریه محکوم خواهد کرد. مهریه که از دیون عنوان المطالبه، مستند به سند رسمی و ممتاز است پس از صدور حکم و احتمالاً تجدیدنظر خواهی زوج و در صورت تأیید رأی دادگاه و قطعیت رأی صادره، اجرائیه صادر خواهد شد و واحد اجرای احکام رأی صادره را اجراء خواهد کرد.

چنانچه در طول رسیدگی اموالی از زوج توقیف شده باشد و این اموال جزء مستثنیات دین نباشد، اجرای احکام اقدام به کارشناسی در مزایده اموال خواهد کرد و بمیزان مهریه به زوجه پرداخت خواهد نمود و در صورتی که اموالی یافته نشود و زوج هم مهریه را نپردازد طبق ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی شخصی مدیون حبس (بازداشت) خواهد شد و چنانچه از حبس دادخواست داده و ادعای اعسار (ناداری) نماید دادگاه بصورت فوق العاده و خارج از نوبت رسیدگی خواهد کرد و چنانچه اعسار زوج (محکوم علیه) احراز گردد اقدام به تقسیط محکوم به (مهریه) و یا معافیت زوج از پرداخت، تا زمان دارایی خواهد نمود و در صورتی که محکوم علیه حقوق یا مستمری دریافت دارد به میزان مشخصی از حقوق ماهیانه محکوم علیه کسر و به زوجه پرداخت خواهد شد.

البته بعضی محاکم با استنباطهای مختلف از قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی بدون حبس محکوم علیه دادخواست و ادعای اعسار وی را مورد رسیدگی قرار داده و رأی به اعسار یا تقسیط نیز صادر می نمایند که این امر بلحاظ ابهام قانون مذکور خصوصاً ماده ۲ آن است و لازم بنظر می رسد که مسئله «حبس» در این قانون دقیقاً مورد توجه و بیان قانونگذار قرار گیرد تا از احکام و اقدامات متفاوت پیشگیری شود.

■ در صورتی که مهریه زوجه حال باشد و زوج قدرت پرداخت آن را نداشته باشد محکمه چه تصمیمی اتخاذ می نماید؟

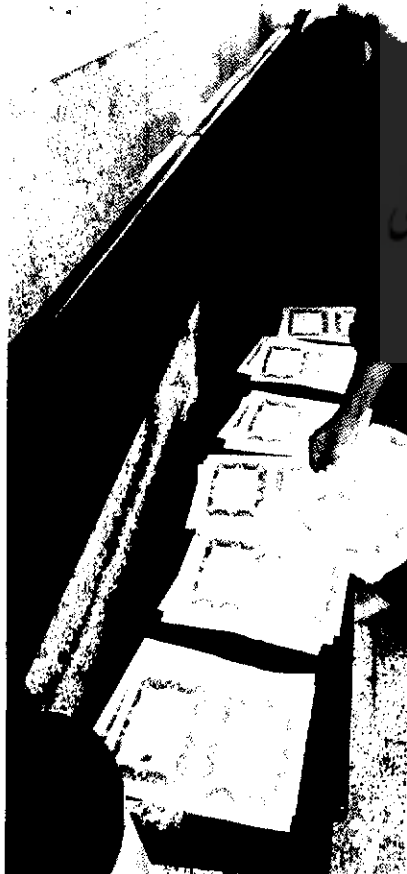
همچنانکه در پاسخ سؤال قبل گفته شد طبق احکام صادره از اکثر محاکم خانواده شخصی که ناتوان از اجرای حکم و پرداخت مهریه باشد به دستور ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی حبس می شود.

■ در صورت کسر اقساط مهریه از حقوق

علت عمده دیگر در ایجاد اختلافات خانوادگی می تواند ضعفهای فرهنگی و اعتقادی و اقتصادی باشد که هر یک از این ضعفها و فقرها بایستی دقیقاً مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و تا حد مقدور از فقر جامعه در موارد مذکور کاست و یا در جهت کاهش آمار آنها سعی نمود که البته در این نوشته و مجال کوتاه بررسی دقیقتر موضوعات مذکور ممکن نیست و با اشاره فهرست وار به برخی دلایل دیگر که موجب اختلافات خانوادگی هستند اشاره می شود تا در صورت ایجاد موقعیتی دیگر و مجال بیشتر بطور دقیق و کارشناسانه به تفصیل و شرح موضوع پرداخته شود.

مواردی مانند ستهای غلط که از زمانهای پیشین روابط زن و مرد را از نقطه های آغازین آن تا آخرین لحظات زندگی آنها تحت تأثیر قرار داده است و تأثیرات منفی و مخربی بر روند زندگی جوانان داشته و دارد حتی ضرب المثلهای غلطی که وجود یافته اند و باید اذهان عمومی را در مورد مضرات و نیز بطلان آنها آگاه نمود. مانند ضرب المثل باطله «مهریه را کی داده و کی گرفته؟!» و بسیاری از این قبیل و یا علت اختلافات دیگری که بسیار مورد ابتلای خانواده هاست اعتیاد به مواد مخدر و یا مصرف مسکرات (مشروبات الکلی) و آثار زیانبار آنها در خانواده است و دلایل مختلف دیگر که قابل بررسی در مجال دیگری هستند.

■ مطالبه مهریه چگونه صورت می گیرد؟  
 چنانچه زوج با مسالمت و توافق حاضر به پرداخت دین خود (مهریه) به زوجه اش نشود دو راه اساسی برای مطالبه مهریه وجود دارد. اول مراجعه زوجه با سند رسمی ازدواج (عقدنامه) به اجرای ثبت محل و تقاضای صدور برگه ای بنام اجرائیه ثبتی، در این صورت چنانچه اموالی که دارای سند رسمی و متعلق به زوج باشند وجود داشته باشد واحد اجرای ثبت پس از معرفی اموال توسط متقاضی و اطمینان از متعلق درانها به شوهر اقدام به توقیف آنها خواهد نمود و در صورتی که مدیون (شوهر) همچنان از پرداخت دین خود امتناع نماید، چنانچه اموال توقیفی جزء مستثنیات این نباشد پس از طی تشریفات قانونی (آگهی مزایده و . . .) اقدام به فروش اموال از طریق مزایده خواهند نمود. و در صورت عدم وجود اموال قابل توقیف، در صورتی که زوج حقوق بگیر یا مستمری بگیر باشد با درصدها و نسبتهای مشخصی از حقوق ماهیانه وی کسر و به زوجه پرداخت می شود تا وقتی که مال قابل توقیف کشف یا دین مستهلک گردد.  
 طریق دیگری که اجمالاً بیان می شود، دادخواست به دادگاه جهت مطالبه مهریه است که دادگاه با تعیین وقت رسیدگی و دعوت از



مهریه را پرداخت نماید و یا ترتیب پرداخت آن را مشخص نماید.

با توجه به اینکه پرداخت قسطی مهریه نیز نوعی پرداخت مهریه با ترتیبات خاصی مطرح است لذا بمحض شروع پرداخت اقساط مهریه از حقوق زوج یا به هر شکل دیگر زوجه غیرمداخله نیز بایستی تمکین نماید والا در صورت صدور حکم به تمکین و عدم اجرای حکم ناشزه محسوب خواهد شد و زوجه مداخله هم چنانچه گفته شد بهیچ وجه حق عدم تمکین را ندارد و با تمکین از زوج می تواند تقاضای مهریه نماید.

■ هرگاه مهریه زوجه مدت دار باشد و قبل از رسیدن موعد زوج فوت نماید محکمه به چه نحوی اقدام می نماید؟

با فوت هر مدیونی طبق عموماً حقوقی دین وی به ورثه (ماترک وی) منتقل می شود و در صورت وجود ماترک، طلبکاران می توانند از اموال ورثه متوفی مطالبه نمایند خصوصاً مهریه که از دیون مستند به سند رسمی و ممتاز است و بر سایر غرما و طلبکاران ارجحیت دارد به این ترتیب ولو اینکه مهریه مؤجل (مدت دار باشد) پس از حلول موعد (رسیدن اجل) می توان از ماترک ورثه متوفی مطالبه و اخذ نمود.

■ چه انتظاری از مؤولین قوه قضائیه دارید؟ ابتدا باید گفت که با قبول مشکلات متعدد موجود در سطح کشور هر انسان موقعیت شناسی باید سطح انتظارات خود را با شرایط واقعی موجود تطبیق داده و تعدیل نماید. خصوصاً قضات که بواسطه با آشنایی با قوانین و نیز مشکلات مردمی که از نزدیک با آنها برخورد و مواجه دارند و مناعت طبع لازمه شغل قضا، با درک موقعیت انتظارات خود را مکتوم نگاه داشته و در محتمل شرایط موجود صبر پیشه می کنند.

اما انتظارت را در دو بخش می توان بررسی نمود. ۱- انتظارات از مجموعه دستگاه قضائی و در بعد کلان از نظام اسلامی در راستای امور کلی دستگاه قضائی که می توان بعنوان مثال، تصویب بموقع و صحیح قوانین، سعی در حفظ استقلال دستگاه قضائی در رابطه با سایر قوا- تا... امکانات لازم جهت بسط و گسترش عدالت و توجه لازم به تظلمات مردم از یکدیگر یا از دستگاههای دولتی و حکومتی جلوگیری از ایجاد فضای نامناسب یا تحمیل شرایط خصی به قاضی که نتواند آنچهان که باید رسیدگی و فصل خطاب نماید کمک به توسعه مادی و امکانات قوه قضائیه بنحوی که سازمانی قوی باشد و بتواند قاطعانه و با برخورداری تمام امکانات و وسایل و تجهیزات در اقامه عدل و برقراری امنیت اقدام نماید.

۲- انتظارات محدود به دستگاه قضائی که

می توان به افزایش حقوق و سطح معیشتی کارمندان دستگاه قضائی (در درجه اول) و همچنین قضات اشاره کرد همچنین توسعه امکانات مانند رایانه، وسایل نقلیه (شخصی یا عمومی)، حفظ شأن قاضی و جلوگیری از تزلزل شغلی و موقعیتی آنها که امروزه بعضاً با اقدامات نابجای برخی قسمتهای نظارتی در درون دستگاه قضائی بدر دلسردی بین قضات پاشیده شده و حاصل جز تزلزل آراء و نظرات، و سستی روحیه قاضی ندارد و بنظر این حقیر این موضوع را می توان با ساده ترین نوع نظرخواهی با امضا و محفوظ از قاطبه قضات و کارمندان و کارشناسان دستگاه قضائی شنید و نیز سعی در حفظ موقعیت دستگاه قاضی در بین سایر نهادهای و دستگاهها و سازمانهای دولتی و عمومی و غیردولتی بنحوی که حکم دستگاه قضائی پس از انجام رسیدگی بتواند فصل الخطاب امور باشد.

پرهیز از دخالت و شرکت در امور سیاسی که البته قوه قضائیه ولو با تحریک مغرضان نتوانسته است خود را از شائبه های سیاسی دور نگهدارد و این امر بهیچ وجه زیننده این قوه نیست اگر چه بسیاری از اقدامات یا حرکات دستگاه قضائی که بوی سیاسی بودن از آنها استشمام می شود در دفاع از مظلومیت قوه قضائیه و حملات بی پایه و اساس سیاسیون بوده است که اکثر از الفبای قضا اسلامی و بلکه از مقدمات امور قضائی غیراسلامی و هم آگاه

نبوده اند اما بنظر حقیر می توان درگیریهای سیاسی را با هم به کمتر از این میزان تقلیل داد و سلامت کاری و موقعیتی قوه را تضمین نمود. در آخر امیدوارم تا من معیشت قضات همچنانکه یکی از اهداف مهم و ریاست معظم قوه قضائیه و مؤولین ذریبط است از حد شعار به مرحله عمل برسد و با تأمین بودجه کافی برای این قوه که کمتر از برخی وزارتخانه ها بودجه در اختیار دارد این مسئله فراموش شده بنحو احسن مورد توجه قرار گیرد خصوصاً مورد توجه دارندگان خزانه های پولی و نویسندگان بودجه و تصویب کنندگان آن! و اعمال قدرتها و سیاست بازبها مانع اعطای حق به ذیحق نشود.

◀ احمد صبا - رئیس شعبه ۲۶۳ دادگاه عمومی تهران (خانواده)

## آن طور نباشد که قاضی برای تأمین حاجت مشروع متوسل به تملق و چاپلوسی شود

دارای لیسانس حقوق قضائی و در سمتهای: دادرس دادگاه بخش و دادرس حقوقی یک سراب، دادستان عمومی میانه، رئیس دادگاه عمومی تبریز فعالیت داشته است.

■ چنانچه زوج از پرداخت هزینه زندگی زوجه امتناع کند زوجه باید چه اقدامی کند؟

وفق مواد ۱۱۰۲ و ۱۱۰۶ قانون مدنی نفقه زوجه دائم بر عهده زوج است و اگر زوج از پرداخت زوجه امتناع کند، زوجه با طرح شکایت کیفری تقاضای الزام زوج به پرداخت نفقه را می نماید و زوج، وفق ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی به حکم قاضی مجازات می شود مشروط بر اینکه زوجه ناشزه نباشد و اگر زوجه نفقه معوقه را مطالبه نماید با تقدیم دادخواست دادگاه در صورت ثبوت وفق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی زوج را محکوم به پرداخت نفقه معوقه زوجه می نماید.

■ آیا زوجه می تواند برای نفقه ایام آینده خود از زوج ضامن بگیرد؟

بنظر من زوجه نمی تواند برای نفقه آینده خود شوهرش تأمین بگیرد، چون نفقه زوجه یومیه است و وقتی مستحق نفقه می باشد که ناشزه نباشد و آینده قابل پیش بینی نیست که آیا زوجه تمکین خواهد نمود یا نه؟ و امری که حادث نشده نمی تواند برای آن حکمی اتخاذ نمود.

■ یا زوجه می تواند از سکونت در مسکنی که زوج برای او معین کرده تا پیش از پرداخت مهر خودداری کند یا خیر؟

سؤال فوق قابل تفکیک است: مورد اول در خصوص دختری است که هنوز به خانه شوهر

